

Geographical bottlenecks and identity structures in Iran's foreign policy

Ruhollah Eslami Corresponding author, Assistant Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. Email: hafez.eslami@gmail.com

Fatemeh Daneshvar PhD student in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran .Email: fa.daneshvarmuhammadzadegan@mail.um.ac.ir

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Foreign Policy,
Iran,
Neoclassical Realism,
International Politics

ABSTRACT

Foreign policy is basically a tool to pursue interests and promote national security. The special geopolitical position of Iran in the areas of the Middle East, Central Asia, Caucasus, etc., doubles the importance of having a suitable foreign policy to achieve national interests. However, many are of the opinion that the main actions of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran are not proactive and creative, but reactive and response-oriented. Based on this, using the neoclassical platform of realism, the main question is: What obstacles did the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, especially in the field of defining goals and balancing approaches and reactive actions, face and what factors caused the adoption of disproportionate and insufficient approaches in the field of foreign policy? The hypothesis that will be measured as a temporary response is that micro-level factors in both material (institutional) and semantic (perceptions) aspects, in three areas: 1-Knowledge (self, international environment and external threats) 2-Agreement on optimal foreign policy and finally 3- timely decision-making (the issue of time); They are among the most damaging factors in Iran's foreign policy. Analytical-explanatory research method with a theoretical approach and its nature is also practical.

Cite this Article: Eslami, R. and Daneshvar, F. (2025). Geographical bottlenecks and identity structures in Iran's foreign policy. *International Relations Researches*, 15(1), 67-88. doi: 10.22034/irr.2025.434607.2492



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: doi: 10.22034/irr.2025.434607.2492



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تنگناهای جغرافیایی و سازه‌های هویتی

در سیاست خارجی ایران

روح‌الله اسلامی نویسنده مسئول، استادیار علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

رایانامه: hafez.eslami@gmail.com

فاطمه دانشور دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

رایانامه: fa.daneshvarmuhammadzadegan@mail.um.ac.ir

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی کلیدواژه‌ها: سازه‌های هویتی، تنگناهای جغرافیایی، موازنه هویت، ایران تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۷	یکی از موضوعات مهم در بررسی سیاست خارجی ایران از منظر سازه‌انگاره، نقش هویت در شکل‌گیری رفتار و منافع دولتی است. بر اساس این رویکرد، هویت دولت‌ها نقشی اساسی در تعیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دارد و بسته به عناصر هویتی غالب و نوع گفتمانی که در سیاست خارجی برتری دارد، تغییراتی در سیاست‌های منطقه‌ای مشاهده می‌شود. در تاریخ معاصر ایران، دو دوره مهم در ساخت هویت دولت و تأثیر آن بر سیاست‌های منطقه‌ای قابل شناسایی است: ناسیونالیسم دوران پهلوی و ایدئولوژی شیعه در جمهوری اسلامی. هرکدام از این دوره‌ها گفتمان‌های متفاوتی را در سیاست خارجی ایجاد کرده‌اند. با این حال، باوجود تفاوت‌های هویتی، استراتژی کلیدی که همواره در سیاست‌های منطقه‌ای ایران استفاده شده، موازنه هویت بوده است. پرسش اصلی این تحقیق این است که "چه عواملی باعث تداوم استفاده از موازنه هویت در سیاست‌های منطقه‌ای ایران شده است؟" یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود تغییرات هویتی در دولت‌های مختلف، فشارهای ژئوپلیتیکی ایران را همواره به سوی موازنه هویتی در سیاست‌های منطقه‌ای سوق داده است.

استناد به این مقاله: روح‌الله و دانشور، فاطمه. (۱۴۰۴). تنگناهای جغرافیایی و سازه‌های هویتی در سیاست خارجی ایران. پژوهش

های روابط بین الملل، ۱۵(۱)، ۶۷-۸۸. doi: 10.22034/irr.2025.434607.2492

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





مقدمه

موقعیت جغرافیایی بعنوان یکی از متغیرهای مهم محیطی، تأثیر قاطع و اجتناب ناپذیری بر زندگی جوامع بشری بر جای می‌گذارد؛ به نحوی که موقعیت‌های جغرافیایی گوناگون، در تنوع، شکل‌گیری و توسعه مناسبات تجاری میان ملت‌ها، تبادل، برخوردها و تقابل فرهنگی میان آنها، ایجاد و گسترش خطوط مواصلاتی، دفاع ملی و ایجاد پایگاه‌های نظامی و امنیتی مؤثر بوده و همواره نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری و تکوین بسیاری از سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ایفا می‌کنند. (شکوهی، ۱۳۶۴: ۲۴۵-۲۴۲). البته موقع جغرافیایی، به تنهایی عامل پیروزی و پیشرفت یک کشور در پهنه بین‌المللی نیست بلکه ابزاری است در دست نخبگان و تصمیم‌گیران یک کشور که با آن، یا در پرتو توانمندی خود به قدرت کشور بی‌فزاید یا با بی‌کفایتی، از آن چیزی جز رنج و سختی به بار نیاوردند. (موسوی‌نیا، ۱۳۰۰: ۱۹) از لحاظ موقعیت جغرافیایی، ایران ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی زمینه نفوذ و رقابت قدرت‌های بزرگ را فراهم آورده و گاهی موجب سیاست خارجی همکاری‌جویانه و منطقه‌گرایی شده است. (Wendt, 1999) سیاست‌های منطقه‌ای ایران تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی متعددی پیگیری می‌شده است. یکی از عواملی که سازه‌انگاران به آن توجه دارند هویت دولت‌هاست که کنش‌ها و رفتار دولتها را شکل می‌دهد. از این منظر عمل سیاسی با ارجاع به هویت کشور توضیح داده می‌شود. (Checkel, 1998) رهیافت هویت‌محور در قالب سازه‌انگاری، تشکیل و تداوم اتحادهای بین‌المللی را بر اساس مفهوم موازنه هویت توضیح می‌دهد و از این منظر کشورها برای دفاع از هویت خود که جزئی از هستی و وجود آنان است، دست به موازنه‌سازی می‌زنند. بسته به تعریفی که از هویت دولت در ایران می‌شد، سیاست‌های منطقه‌ای در گفتمانی متفاوت شکل می‌گرفت و تدابیری برای ایجاد موازنه هویت از سوی تصمیم‌گیران انجام می‌شد. برای مثال، گفتمان پهلویسم رضاخانی که در پی همگون سازی کشور برآمد و سیاست همسایه خوب را که نوعی منطقه-گرایی و چندجانبه‌گرایی محسوب میشد، دنبال کرد. یا گفتمان سلطه منطقه‌ای و احیای امپراتوری ایرانی در دوره محمدرضا شاه، که او را به وابستگی فرمانطقه‌ای کشاند و همچنین بعد از انقلاب اسلامی با تقویت رویکرد ایدئولوژیک، ضمن گفتمان‌های متفاوت و متعدد ایران به بازیگری فعال در منطقه تبدیل شد. در تمامی این دوران تلاش برای موازنه هویت چه در قالب دفاع از هویت خود در برابر تهدیدات



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



یکی دیگر از مباحث مهم برای سازه انگاران در سطح هستی شناختی مسأله هویت کنشگران است. و این بدان معنی است که ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند زیرا نظام های با معنا هستند که تعریف می کنند کنشگران چگونه محیط خود را تفسیر کنند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۵۸) رویکرد سازه انگاری توجه خود را نه صرفاً به سوی وجوه بیرونی و رخدادی یک کنش در عرصه بین الملل، بلکه به بستر و زمینه شکل گیری آن الگوهای رفتاری و کنشی معطوف می سازد؛ اینجاست که گفتمان و تحلیل گفتمانی به کار می آید. (هادیان، ۱۳۸۰: ۵۷). هویت دولت منافع آن را شکل داده و منافع نیز به نوبه خود کنش ها و رفتار آن را بوجود می آورند. از این رو هویت ها پایه و اساس منافع تلقی شده و بازیگر، هویت و انتظار یک نقش ویژه در مورد خود را با مشارکت در معانی مشترک کسب میکند. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که هویت منافع را شکب میدهد و منافع نیز سرچشمه رفتارها و اقدامات میباشد و منافع خود در روند تعریف موقعیتها و نقش ایی که بازی میکنند تعریف میشوند و از میان رفتن و یا شکست در آن وضعیت ها یا ایجاد آشفتگی برای هویت، نقش ها را دچار مشکل ساخته و منافع را نامعلوم میسازد. (جوادی و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۱)

سیاست خارجی پدیدآورنده هویت سیاسی ملی دولت هاست؛ بنابراین سیاست خارجی ابزاری هویت- ساز است که مرزهای میان خود و دیگری را مشخص و طی این فرایند منافع ملی را تعریف می کند. (مساری، ۱۳۹۲: ۲۲۵) هویت در سیاست خارجی از دو بُعد اهمیت دارد: یکی هویتی که در داخل بر ساخته می شود و ناشی از هویت هایی است که در تعامل میان گروه های اجتماعی داخلی و بر اساس ارزش های داخلی شکل می گیرند و بر اساس آن فهم آن ها از «دیگری» بیرونی قوام می یابد؛ دیگری هویتی است که در تعامل با سایر دولتها و به شکل بین المللی بر ساخته می شود. (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۷۳) در واقع هویت تعیین می کند که یک بازیگر بین المللی چیست و چه تفاوتی با دیگر بازیگران بین المللی دارد. از آنجا که هویت در رابطه با دیگران تکوین می یابد، ماهیت ثابت ندارد و در طول تعامل با دیگران تحول، تکامل و تغییر می یابد. (Wendt, 1999: 233)

پس عمل سیاسی معمولاً با ارجاع به هویت کشور توضیح داده می شود و منافع هر کشور وابسته به هویت آن است؛ ما تا ندانیم چه کسی هستیم، نمیدانیم منافع مان چیست. و این ارزشها و هنجارها هستند که به هویت ها در قلمرو سیاست داخلی و خارجی شکل می دهد. اما باید توجه داشت که سازه انگاران هم



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نه نتیجه. به گونه‌ای که کشورها بر اساس تحلیل هزینه-فایده دست به موازنه‌سازی و دنباله‌روی نمی‌زنند؛ یعنی کشورها برای کسب منافع از هویت خود دفاع نمی‌کنند؛ بلکه آنان از هویت خود در برابر تهدیدات دفاع می‌کنند چون هویت، جزئی از هستی و وجود آنان است. از این‌رو هدف اصلی، حفظ و تأمین امنیت هستی شناختی است که برای کشورها ارزش وجودی دارد. و کشورها دست به موازنه‌سازی می‌زنند چون هویت آنان اقتضا می‌کند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۸: ۲۴۸)

رویکرد نظری	تعریف	منطق موازنه سازی
سازه انگاری	تلاش کشورها برای حفظ تعادل هویت در برابر تهدیدات هویتی و تقویت و تحکیم هویت خود	تناسب یا اقتضا: دفاع از هویت خود در برابر تهدیدات اشتراکات هویتی: درجه تهدیدپذیری و موازنه سازی تابعی از میزان اشتراکات هویتی

جدول ۱ موازنه هویت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۲۵۱)

۲. پیوند ژئوپلیتیک و سیاست خارجی منطقه‌ای ایران

متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی را به متغیرهای بنیادی و عوامل موضعی تقسیم می‌کنند، که به صورت خلاصه عبارتند از: مبانی اعتقادی، شرایط ژئوپلیتیک، فرهنگ عمومی و سیاسی، ساختار و سنخ نظام سیاسی حاکم، نیازمندیها و احتیاجات جامعه در تمامی ابعاد، سنخ و ماهیت نظام بین‌المللی، وضعیت و میزان دوستی و یا دشمنی با همسایگان. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۲) همانطور که اشاره شد یکی از عوامل تعیین‌کننده و مؤثر در سیاست خارجی، عامل ژئوپلیتیک می‌باشد. در ژئوپلیتیک که معنی لغوی آن سیاست زمین است، نقش عوامل محیطی جغرافیا در سیاست بررسی می‌شود. در واقع نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل، فقط به تمایلات، افکار و عقاید اداره‌کنندگان سیاست خارجی آن دولت بستگی ندارد، بلکه عوامل و وضعیت‌های خاصی وجود دارد که تأثیر عمیقی در سیاست خارجی هر کشور می‌گذارد (عزتی، ۱۳۷۳: ۲۱)

و عواملی که در ژئوپلیتیک مؤثرند به دو دسته کلی، ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند. عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر ممکن است منشأ طبیعی داشته باشند.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۹۴) یکی از مهم‌ترین تحولات اوایل قرن بیست و یکم در خاورمیانه ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای است و این موضوع صرفاً به علت حکومت اسلامی در ایران یا بحث هسته‌ای نیست، بلکه به علت عوامل دیگری همچون داشته‌های ژئوپلیتیک این کشور و خلأ قدرت نسبی در منطقه است. ایران کشور بزرگی است که جمعیت آن به تنهایی بیشتر از مجموع جمعیت همه کشورهای عرب خلیج فارس است. (روبین، ۱۳۹۳: ۲۴۵) و تحولات سیاسی خاورمیانه و خلیج فارس در فرایندی گسترش یافته که هیچ‌گونه شکل بندی امنیتی در منطقه ایجاد نمی‌شود، مگر اینکه زمینه برای مشارکت و همکاری ایران به وجود آید. (متقی، ۱۳۸۹: ۱۶)

بنابراین تلاش ایران برای تبدیل شدن به گفتمانی الگو و الهام‌بخشی در منطقه، تصوراتی رویاپردازانه و بلندپروازانه نیست. مؤلفه‌های قدرت ملی، موقعیت ژئوپلیتیک و ایدئولوژی به گونه‌ای است که به ایران نقش ممتازی در مسائل منطقه‌ای می‌دهد (طالبی و ذاکریان، ۱۳۹۴: ۶۷). لذا برخی از متخصصان روابط بین‌الملل معتقدند ایران دارای این توانایی بالقوه است که در آینده با نفوذترین دولت خاورمیانه شود (احتشامی، ۱۳۷۸، ۱۴۰:). به طور مثال، «باری روبین» ایران را تنها قدرت خاورمیانه دانسته و معتقد است: هیچ دولت عربی نمی‌تواند چنین عنوانی را ادعا کند. (روبین، ۱۳۹۳) در عین حال برخی معتقدند قدرت منطقه‌ای شدن در عین اینکه منافع را با خود به همراه دارد، هزینه‌هایی را نیز تحمیل می‌کند. و ایران باید بتواند نه مانند یک امپراتوری، آن گونه که سران غرب و عرب سعی در جا انداختن آن و دامن زدن به پروژه ایران‌هراسی دارند، و نه مانند یک قدرت سلطه‌گر، بلکه مانند رهبری منطقه‌ای ایفای نقش کند. (خرمشاد، ۱۳۹۳: ۲۶۶)

هم‌چنین واقعیت‌های محیط ژئوپلیتیکی نشان می‌دهد که ایران تاکنون به خوبی نتوانسته از فرصت دومین کشور پر همسایه جهان به خوبی بهره‌گیرد. ایران دارای ۷ همسایه مرزی و ۱۰ همسایه ساحلی است که فرصت‌های بیشماری را برای دیپلماسی، اقتصاد و فرهنگ ایران فراهم آورده به ویژه اینکه فرهنگ ایران در بسیاری از کشورهای همسایه هنوز جریان و حضور قدرتمندی دارد. در این چارچوب سیاست همسایگی به عنوان یک راهبرد نظام مند و هدفمند معنا پیدا می‌کند، به این صورت که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک مزیت ژئوپلیتیکی مطرح و با بهره‌گیری از درهم آمیختگی فرهنگی و تاریخی تلاش



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



رضاشاه به محض به قدرت رسیدن، روابطش با همسایگان را به سمت تنش زدایی سوق داد. ایران به لحاظ تاریخی مشکلات مرزی، قومی و مذهبی داشت که به راحتی حل نشده و جنگ‌های زیادی ایجاد کرده بود. ایران همیشه با عراق و ترکیه که برآمده از امپراطوری عثمانی بودند مشکل داشت. با توجه به استقرار دولت‌های مدرن ملی در این مقطع، ترکیه، ایران، افغانستان و عراق به یکدیگر نزدیک شدند و اراده‌ای بر اساس تنش‌زدایی شکل گرفت. هر چهار کشور شاهان ملی‌گرایی داشت که اتفاق نظر داشتند بدون رابطه مناسب با همسایگان نمی‌توان از منافع ملی دفاع کرد. آنها بر دوری از کمونیسم و یاری یکدیگر در بحران قول همکاری دادند. ایران همگام با سیاست همسایه خوب، با همسایگان مسلمان خود وارد توافقی منطقه‌ای شد. این اقدام نتیجه منطقی مبارزه ایران برای رهایی از نظارت بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی بود. دشمنی دیرینه با همسایگان توان کشور را گرفته و راه مداخله ابرقدرت‌ها را هموار کرده بود. پیمان سعدآباد می‌توانست توان ایران را برای مبارزه در مسیر استقلال ذخیره کند. این پیمان تکنیک جدیدی بود که در راستای هدفی قدیمی به کار رفت. (رمضانی، ۱۳۹۹: ۳۵۹) قرارداد در سعدآباد ایران، با مشارکت وزرای امور خارجه چهار کشور تصویب شد. این قرارداد که گونه‌ای منطقه-گرایی پیشرفته به حساب می‌آمد چهار کشور را در رویه‌ای تنش‌زدا، مدرن و دارای اشتراکات برد-برد قرارداد. بعد از پیمان سعدآباد روابط ایران با عراق، افغانستان و ترکیه بسیار دوستانه و بدون اختلاف بنیادین پیگیری شد. (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۷۱)

در دوره پهلوی دوم نیز، فرهنگ ملی ایران تنها در دو لایه فرهنگی ایران باستان و غرب، تعریف شده و اسلام و هویت اسلامی به مثابه پدیده‌ای تحمیلی به سرزمین کوروش و داریوش و سرزمین هخامنشیان و سامانیان نگریسته شده که هدفی جز تضعیف اصالت و هویت شفاف این مرز و بوم نیز نداشته است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۳-۴۳). در واقع رژیم پهلوی تلاش کرد تا با احیای حس نوستالژیک ایرانیان نسبت به ایران باستان و روحیه مذهبی باستانی آنان و با استعانت از خداوند و روح حلول کرده‌ی داریوش در شخص شاه، شاهنشاهی از دست‌رفته‌ی کوروش را از نو زنده کند (موسوی‌زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۷: ۲۱۸). پهلوی و تجدّدگرایان آن عصر در راهی که آن‌را تمدن بزرگ نام نهاده بودند (پهلوی، ۱۳۷۱: ۱۲۸)، در جست‌وجوی هویتی جدید (غربی) به جریان اسلام‌ستیزی پیوستند و در پی حل معمای خویش، به نفی اسلام به عنوان هویتی دیگر که نتیجه حمله عرب‌ها به ایران است پرداختند (رهبری، ۱۳۸۰: ۴۰). لازم به ذکر است که در این سال‌ها مهم‌ترین مانع در برابر



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



انگلیس را در اطراف کشور اروپا اعلام کرد. (بروان، ۱۳۷۵: ۲۲۹) اعلام خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس مخالفت عمده‌ای را در جهان غرب به همراه داشت، و گزارشی دربارهٔ پیامدهای عقب‌نشینی انگلستان از خلیج فارس تهیه شد که به مواردی همچون بی‌نظمی، اغتشاش، سردرگمی و هرج و مرج در منطقه برای منافع جهان غرب اشاره داشت. (واسیلیف، ۱۳۵۸: ۳۳) دلیل نگرانی عمیق دولتمردان آمریکا در این مقطع آن بود که ایجاد خلأ قدرت ناشی از خروج نیروهای نظامی انگلستان به جای آزاد و مساعد کردن صحنه برای فعالیت بیشتر آنان موجب رشد و گسترش جنبش‌های آزادی‌بخش در منطقه خلیج فارس شود. مفهوم خلأ قدرت از دیدگاه آمریکا و جهان غرب آن بود که کشورهای منطقه به علت فقر اقتصادی و ناپایداری سیاسی قادر به دفاع از خویش نیستند و بنابراین برای حفظ ثبات می‌بایست دست کم یکی از قدرت‌های بزرگ در منطقه حضور داشته باشند. ایالات متحده آمریکا بعنوان پرچمدار دنیای غرب و نیروی مقابل اتحاد شوروی، تصمیم به رفع این خلأ گرفت تا از پیامدهای ناگوار احتمالی خروج بریتانیا پیشگیری کند. (چمنکار، ۱۳۹۱: ۳۹) دکترین نیکسون تحت تأثیر شرایط بین‌المللی دهه ۶۰ و با هدف تضمین امنیت نفت منطقه خلیج فارس مطرح شد. (طاهری و ترابی، ۱۳۸۹: ۱۴) بر اساس این رهیافت نوین، آمریکا به ایجاد پلیس‌ها و ژاندارم‌های منطقه‌ای اقدام کرد که از برجسته‌ترین آنان کشورهای ژاپن، برزیل، یونان و ایران بودند. (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۱۹۶)

دکترین نیکسون که تحت عنوان «سیاست دوستونی» شهرت دارد در سال ۱۹۶۹ در یکی از پایگاه‌های نظامی آمریکا در اقیانوس کبیر اعلام گردید. در این دکترین ایران و عربستان سعودی به عنوان ژاندارم منطقه انتخاب شدند تا منافع امنیتی و نفتی آمریکا را تأمین نمایند. انتخاب ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی برجسته، جمعیت فراوان و قدرت نظامی بود؛ در مقابل عربستان سعودی عمدتاً به دلیل داشتن ثروت نفتی گسترده انتخاب شد. (طاهری و ترابی، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۴) در سیاست دوستونی، ایران اهمیت بسیار بیشتری داشت؛ زیرا:

۱- همسایه شوروی بود و مرزهای مشترک طولانی با شوروی داشت؛

۲- حد واصل و حلقه متصل کننده سنتو و ناتو بود؛

۳- هم‌پیمان آمریکا در پیمان سنتو بود؛

۴- بر سراسر سواحل شمالی خلیج فارس تسلط داشت؛

۵- دارای جمعیت مناسب بود؛



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال ۲۰۰۳، طرح هلال شیعی و جریان شیعه هراسی و ایران هراسی از پیامدهای این نگرش می‌باشد. اما با توجه به حضور فعال ایران در مسائل عراق، سوریه، لبنان و یمن و همچنین نقش فعال ایران در مبارزه با گروه‌های تروریستی و افراط‌گرایی منطقه‌ای، ضمن رفع تهدید امنیتی از مرزهای ایران، قدرت چانه‌زنی جمهوری اسلامی در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش یافته است. (عبدالمطلب، ۱۳۹۵: ۵۰۳)

ایران با استفاده از عنصر شیعی‌گری به جذب و حمایت کشورهای شیعی همسو با اهداف خود می‌پردازد و در این زمینه فرصت‌هایی نیز برای تامین امنیت و منافع ملی خود به دست آورده‌است، از جمله اینکه به لحاظ مذهبی اصل حمایت از شیعیان و مستضعفان و پشتیبانی از مرجعیت شیعه عراقی و حفظ و ارتقای آن در عراق، امری مهم برای ایران است، به لحاظ سیاسی حمایت از شیعیان، از طرفی به منظور جلوگیری از روی کار آمدن یک رژیم سنی مذهب مخالف با ایران و معارض با شیعیان عراق و از طرف دیگر، برای حمایت از شیعیان در جهت زمینه سازی برای حضور موثر و کارآمد آنها در ساختار سیاسی عراق است که از این منظر با اولویت‌های انقلاب اسلامی ایران نیز سازگار است، (جمشیدی و گهروی، ۱۳۹۳: ۷۷) مهم-ترین اهداف ایران از طرح شیعه‌گری در منطقه عبارتست از:

اول-کسب هژمونی منطقه‌ای که در آن ایران نفوذ بیشتری در منطقه دارد و بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه مسلط شده‌است.

دوم-پایان تسلط سنتی حکومت سنیها بر منطقه و خروج شیعیان از انزوا که با هویت یابی شیعیان و کسب جایگاه بهتر آنها در دولت‌های منطقه میسر می‌شود و به تقویت هژمونی منطقه‌ای شیعیان به رهبری ایران کمک می‌کند.

سوم-خروج امریکا و نیروهای فرامنطقه‌ای از خاورمیانه و نابودی اسرائیل بعنوان نماینده نیابتی آمریکا در منطقه

که از طریق تقویت دومینوهای شیعی تحت نفوذ ایران در هلال شیعه میسر می‌شود (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۴۵ - ۴۱): از نظر مقامات ایران، کشورهای اسلامی می‌توانند با افزایش ظرفیت و تجمیع قدرت خود نقش مهمی را در تثبیت یک نظام عادلانه در سیاست بین‌الملل ایفا کنند. هدف از سیاست تحکیم روابط با کشورهای اسلامی بویژه، آن دسته از کشورهای اسلامی مثل لبنان، عراق، سوریه که مبتنی بر اصول اسلامی هستند، و توانسته است با بوجود آوردن محور مقاومت در منطقه، نقشی بسزا در سیاست بین‌الملل ایفا نماید



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



آید و ایران را به عنوان بازیگر فعال منطقه‌ای مطرح می‌کند. (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۴؛ نقل در پرهان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۶) بعد از جنگ و در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اقتصادمحور بود، و متأثر از پایان یافتن جنگ، الگوی رفتاری و تعامل خارجی با کشورهای همسایه دستخوش تغییر و دگرگونی شد. نمود عینی این تأثیرگذاری، عادی‌سازی و بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس بود. همچنین، زمینه عادی‌سازی روابط ایران و عراق از طریق مذاکرات برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ نیز فراهم گردید. (ازغندی، ۱۳۹۶: ۳۸۸)

در دوران بعد، دولت خاتمی ابتدا سعی کرد کشور را از حلقه تنگ مهارسیاسی، نظامی و فناورانه آمریکا رها سازد. سپس تلاش کرد تا با توجه به موقعیت استراتژیک مهمی که ایران در یک منطقه پرتنش دارد، موقعیت دفاعی و بازدارندگی‌اش را تقویت سازد. و با تنش‌زدایی به رفع تعارضات بین خود و کشورهای منطقه و همسایه در قالب ابتکاراتی چون گفتگوی تمدن‌ها در سطح سازمان‌های بین‌المللی خصوصاً سازمان ملل پردازد. (Ramazani, 2001: 227 نقل در جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۹۹)

در دولت احمدی‌نژاد که اولویت سیاست خارجی، بازگشت به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی بود، گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور و به تعبیر برخی «آرمانگرایی اصول‌محور» چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خود قرارداد. که از مهمترین مؤلفه‌های سیاست خارجی این دوران می‌توان به رسالت جهانی ایرانی برای برهم زدن نظم موجود، نگاه به شرق و جهان اسلام، تلاش برای اتحاد و همبستگی با جهان اسلام و تحرک جهان ضدغربی اشاره کرد. هم‌چنین احمدی‌نژاد با اتخاذ سیاست تهاجمی تنها راه حفظ غرور و منافع ملی را مقاومت در برابر تهدیدات خارجی و داخلی خواند. (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۹۹)

در نقطه مقابل، دولت بعدی، یعنی دولت روحانی ضمن تلقی دو عنصر رفع تهدید و کسب منفعت به عنوان ویژگی‌های سیاست خارجی خوب که همان سیاست خارجی توسعه‌گرا است، دغدغه‌های ایدئولوژیک را مانع اتخاذ چنین سیاست خارجی توصیف کرد. روحانی ضمن تعبیر اعتدال به آرمان‌خواهی واقع‌بینانه، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی را نه تسلیم، نه تقابل، بلکه تعامل مؤثر و سازنده با جهان معرفی کرد. و اولویت اصلی دولت روحانی تعامل با کشورهایی بود که از اهمیت راهبردی برخوردار باشند یعنی آمریکا و کشورهای اروپایی. هرچند روحانی تمایل به تعمیق روابط با همسایگان



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جوان ایران را به نظام سیاسی تغییر دهند. و حوادث دیماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸ بر بستر این دوگانگی ها شکل گرفت. (شمولی و باقری دولتی آبادی، ۱۴۰۰: ۵۵-۵۳)

مهمترین مصادیق در کاربرد موازنه هویت در سیاست های منطقه ای در جدول زیر نمایه شده است.

دوره تاریخی منطق ژئوپلتیک موازنه هویت در گفتمان های منطقه - ای

پهلوی اول	دشمنی دیرینه با همسایگان/رقابت و نظارت قدرتهای بزرگ بر سر ایران	ناسیونالیسم شاهنشاهی و سیاست همسایه خوب و تنش زدایی با شاهان ملی گرا (ترکیه، افغانستان، عراق)
پهلوی دوم	نفت و منابع انرژی/همسایگی ایران با شوروی و نگرانی از تسلط کمونیسم در ایران/خروج انگلستان از خلیج فارس و خلأ قدرت	بزرگنمایی برتری نژاد آریایی و گفتمان سلطه منطقه ای
جمهوری اسلامی	ژئوپلتیک زدایی و ایران هراسی/تصادم منافع قدرت های بزرگ	شیعی گری و جذب کشورهای شیعی/انقلابی گری و ائتلاف با کشورهای انقلابی/تنش زدایی و تعامل/تقویت موقعیت دفاعی و بازدارندگی

نتیجه گیری

عامل جغرافیا را نمی توان به عنوان یک متغیر اساسی در سیاست گذاری خارجی و روابط بین الملل نادیده گرفت. جغرافیا به گونه ای نظام های سیاسی را تحت فشار قرار می دهد و در اغلب موارد، داده های سیاست خارجی دولت ها را تحت تأثیر قرار می دهد. حتی تغییر نخبگان و رژیم های سیاسی نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط ژئوپلتیکی یک کشور می تواند مورد مطالعه قرار گیرد. اگرچه رویکرد سازه انگارانه به سیاست خارجی ایران تأکید زیادی بر مسئله هویت دارد، زیرا از این دیدگاه، نظام های معنادار تعیین می کنند که کنشگران چگونه محیط خود را تفسیر کنند و بنابراین عمل سیاسی معمولاً با ارجاع به هویت کشور توضیح داده می شود. اما به نظر می رسد که نمی توان نقش عوامل مادی مانند جغرافیا را در سیاست خارجی نادیده گرفت. در سیاست های خارجی ایران نیز، بسته به تعریفی که از هویت دولت در ایران وجود داشته، گفتمان های سیاست خارجی به اشکال متفاوتی ظهور یافته اند. با این حال، بررسی سیاست های منطقه ای ایران نشان می دهد که استراتژی "موازنه هویت" به طور مداوم در



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بمان اقبالی زارچ، علی، (۱۴۰۰)، پنج گانه پابندگی سیاست همسایگی: امتیازات، اشتراکات، اختلافات، احتیاجات و

ابتکارات

پرهان، مهدی و دیگران، (۱۳۹۸)، «همسویی ایدئولوژی و منافع ملی و روند قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»،

فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، شماره ۴۰.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲) **تجربه‌ی بازی سیاسی در میان ایرانیان**. تهران: نشر نی .

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷) «غیریت و هویت شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران» **پژوهشنامه متین**. سال اول. شماره‌ی اول.

صص ۱۰۶-۸۳.

تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۳) **سیاست خارجی عرصه فقدان تصمیم و تدبیر؟**. تهران: فرهنگ گفتمان.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۱) **پاسخ به تاریخ**. به کوشش شه‌ریار ماکان. تهران: انتشارات شهرآب .

جعفری، علی اکبر، و جانباز، دیان، (۱۳۹۵)، «تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی

نوین هسته‌ای»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال چهارم، شماره ۱۶.

جوادی، محمدجعفر و سلیمانی، غلامعلی، (۱۳۸۸)، «سازهانگاری به مثابه فهم نوین در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان**، قزوین، دانشگاه بین

المللی امام خمینی.

جمشیدی، محمدحسین و محمدی گهرویی، رسول (1393) **جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین: تبیینی بر کاربرد قدرت**

نرم در عراق نوین در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی، **فصلنامه جامعه‌شناسی جهان اسلام**، سال دوم، شماره

اول

چکل، جفری، تی، (۱۳۹۱)، «سازهانگاری و سیاست خارجی» در **سیاست خارجی: نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی**،

ترجمه محمدحاجی یوسفی و دیگران، تهران: سمت.

چمنکار، محمدجعفر، (۱۳۹۱)، «دیپلماسی خارجی نوین آمریکا و تأثیرات آن بر سیاست منطقه‌ای دولت پهلوی دوم (۱۳۵۷ -

۱۳۴۸)»، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۱۹.

حسینی‌زاده، محمد علی (۱۳۸۶) **اسلام سیاسی در ایران**. قم: دانشگاه علوم انسانی مفید .

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۶)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.

خرم‌شاد، محمدباقر، (۱۳۹۳)، **قدرت‌های منطقه‌ای؛ ایران قدرت نوظهور**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۸)، **اصول و مبانی روابط بین‌الملل**، جلد اول، تهران: سمت.

رمضانی، روح ... (۱۳۹۹)، **تاریخ سیاست خارجی ایران**، ترجمه روح ... اسلامی و زینب پزشکیان، تهران: نشرنی.

روبین‌باری، «ایران: ظهور یک قدرت منطقه‌ای»، ترجمه محسن شاه‌محمدی، در **قدرت منطقه‌های منطقه‌ای؛ ایران قدرت**

نوظهور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

سیف زاده، حسین، (۱۳۹۰)، **اصول روابط بین‌الملل**، تهران: میزان.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



موسوی‌نیا، سیدرضا، (-)، «دل بستن به نیروی سوم، راهبردی بی سرانجام در روابط خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۹-۲۵۰.

میری کلاه کج، فاطمه و دیگران، (۱۳۹۵)، «نقش مذهب تشیع در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، اولین همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام.

نبوی، عبدالامیر و فیروزه رادفر (۱۳۹۳) «تحلیل گفتمانی فرهنگ سیاسی بر روابط خارجی ایران در دوره‌ی پهلوی (۱۳۳۲-۱۳۴۲)». دوفصلنامه دانش سیاسی. سال ۱۰. شماره‌ی ۱۹. صص ۱۵۴-۱۳۵.

واسیلیف، آکسی، (۱۳۵۸)، مشعل‌های خلیج فارس، ترجمه سیروس ایزدی، چاپ اول، تهران: نشرحیپی.

هادیان، ناصر، (۱۳۸۰)، «سازه انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴.

Abrahamian, E. (2008). A History of Modern Iran. Cambridge University Press.

Adler, e. (1997), "seizing the middle ground: constructivism in world politics." European journal of international relations.

Afary, J. (2009). Iranian Identity and Cosmopolitanism: Spheres of Belonging. Cambridge University Press.

Ansari, A. M. (2012). The Politics of Nationalism in Modern Iran. Cambridge University Press.

Checkel, J. T. (1998). The constructivist turn in international relations theory. World Politics, 50(2), 324-348.

Flint, C. (2016). Introduction to Geopolitics (3rd ed.). Routledge.

Kaplan, R. D. (2012). The Revenge of Geography: What the Map Tells Us About Coming Conflicts and the Battle Against Fate. Random House.

Katzman, K. (2019). Iran: Politics, Geography, and the Nuclear Challenge. Congressional Research Service.

Keddie, N. R. (2006). Modern Iran: Roots and Results of Revolution. Yale University Press.

Maloney, S. (2020). Iran Reconsidered: The Nuclear Deal and the Future of US-Iran Relations. Brookings Institution Press.

Mottahedeh, R. (2008). The Mantle of the Prophet: Religion and Politics in Iran. Oneworld Publications.

Ramazani, R. K. (1989). The Foreign Policy of Iran: A Developing Nation in World Affairs, 1500-1941. University of Virginia Press.

Slavin, B. (2021). Iran and the Persian Gulf: Old Rivalries and New Realities. United States Institute of Peace Press.

Wendt, A. (1999). Social theory of international politics. Cambridge University Press.

Wendt, A. (1999). Social Theory of International Politics. Cambridge University Press.